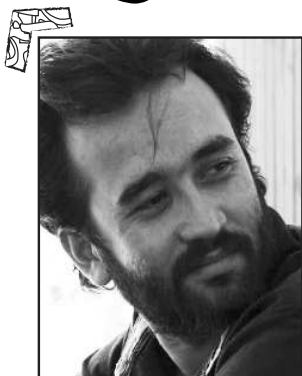


واصف باختری و فن ترجمه



نور محمد نوریا

نویسنده این نوشته کوتاه، بیشتر فرآورده نگاه گذرا و اجمالی نویسنده از کتاب «سفالینه‌پی چند بر پیش خوان بلورین فردا» (کلیات شعرهای واصف باختری) است که در پاسخ به دو پرسش، فروکاسته می‌شود:

۱. واصف باختری، چی را ترجمه کرده است؟
۲. واصف باختری، چرا ترجمه کرده است؟

پیش از این‌که به پاسخ پرسش‌های یادشده پرداخته شود، چیدن مقدمات و پاسخ به پرسشی دیگر، لازم است. آن پرسش، این است: «اصولاً ترجمه شعر، امکان یا امتناع؟»

پاسخ، ساده نیست؛ برای این‌که نخست باید کار سرایشگر و مترجم با دقت، دیده شود و آن‌گاه پای داوری به میان آید؛ زیرا نقش گزارنده (مترجم) در آفرینش دوباره شعر، آن قدر مهم است که نقش شاعر را برت فراست، گفته است: «شاعران، متعلق به زبان‌اند؛ نه به جهان. شعر، همان چیزی است که در اثر ترجمه از بین می‌رود و نیز شعر، همان است که در اثر تفسیر از میان برمی‌خیزد.»

پس ترجمه شعر «واگذاری معنای یک سروده به زبان دیگر نیست. پیوستن پیام شاعرانه نیست، گسستن است و جایگزینی برای آفرینش متن اصلی را به‌کار می‌بندد.

با این مقدمه، به پاسخ پرسش‌های اصلی پژوهش پرداخته می‌شود:

۱. واصف باختری، چه را ترجمه کرده است؟

آغاز کار ترجمه واصف باختری به دهه ۴۰ برمی‌گردد. هنگامی که وی دانشجوی دانشکده ادبیات دانشگاه کابل بود. به سخن خودش در کتاب «روبه‌رو با واصف باختری»: «در سال ۱۳۴۲ آفتابی، اولین شعر از «برتولت برشت» را به عنوان وظیفه خانگی مضمون ترجمه که توسط استاد علی محمد زهما تدریس می‌شده، به زبان نثر برگردانده است که

پیش از این‌که به پاسخ پرسش‌های یادشده پرداخته شود، چیدن مقدمات و پاسخ به پرسشی دیگر، لازم است. آن پرسش، این است: «اصولاً ترجمه شعر، امکان یا امتناع؟»

پاسخ، ساده نیست؛ برای این‌که نخست باید کار سرایشگر و مترجم با دقت، دیده شود و آن‌گاه پای داوری به میان آید؛ زیرا نقش گزارنده (مترجم) در آفرینش دوباره شعر، آن قدر مهم است که نقش شاعر را برت فراست، گفته است: «شاعران، متعلق به زبان‌اند؛ نه به جهان. شعر، همان چیزی است که در اثر ترجمه از بین می‌رود و نیز شعر، همان است که در اثر تفسیر از میان برمی‌خیزد.»

پس ترجمه شعر «واگذاری معنای یک سروده به زبان دیگر نیست. پیوستن پیام شاعرانه نیست، گسستن است و جایگزینی برای آفرینش متن اصلی را به‌کار می‌بندد.

در سال ۱۳۴۶ به نظم درآمده و با عنوان «پرسش» در کلیات شعرهای استاد باختری درج شده است (مصاحبه پرتو نادری با واصف باختری زیر عنوان «روبه‌رو با واصف باختری» زمستان ۱۳۷۸، پشاور). موضوع این شعر، تازش به تاریخ‌پردازانی است که دست به تحریف تاریخ زده‌اند و سازندگان اصلی تاریخ ملت‌ها را که توده فرودست جوامع بوده است، فراموش کرده‌اند:

شما ای برده‌گان آزا!

شما ای بدگهر تاریخ‌پردازان افسون‌ساز!

کار ترجمه واصف باختری در سه کتاب، خلاصه می‌شود:

۱. ماهی گیر و ماهی طلایی: از الکساندر پوشکین؛ شاعر انقلابی و مصلح اجتماعی روس.
۲. آب‌های شعر جهان، آلوده نیستند: از ماری‌سول؛ شاعر انقلابی کولمبیایی.

۳. اسطوره بزرگ شهادت: از کارلوس دروماند اندراد؛ جامعه‌شناس و شاعر انقلابی برازیلی.

شعرهای ترجمه شده توسط واصف باختری، از شاعران کشورهای مختلف؛ هندی، امریکایی، گُردی، روسی، برازیلی، ترکی، لبنانی و... است؛ اما این شعرها دارای دو وجه برجسته مشترک‌اند: نخست این‌که همه شعرهای ترجمه شده، به زبان انگلیسی نوشته شده بودند و استاد باختری، صرفاً با زبان انگلیسی آشنایی دارد، برای این‌که در امریکای لاتین درس خوانده است؛ دوم این‌که این شعرها دارای جنبه ایدئولوژیک فلسفی-سیاسی خاصی هستند و مفاهیم انقلابی، توده‌ای، کارگری و... را در بر دارند.

اینک نام و شمار شعرهای شاعرانی که سروده‌های‌شان توسط واصف باختری برگردانده شده، در پایین آورده می‌شود:

۱. هفت شعر از ماری‌سول، شاعر کولمبیایی؛
 ۲. چهار شعر از کارولین مارتین، شاعر امریکایی؛
 ۳. یک شعر از خوزه آنتانیو برینال، شاعر پرویی؛
 ۴. چهار شعر از ساجی دانندا؛ شاعر هندی؛
 ۵. شش شعر از عاکف گوران؛ شاعر گُردی؛
 ۶. هفت شعر از خلیل روادی؛ شاعر گُردی؛
 ۷. شش شعر از کارلوس دروماند اندراد؛ شاعر برازیلی؛
 ۸. چهار شعر از مهندرا بورا؛ شاعر هندی؛
 ۹. سه شعر از کاترین هوارد؛ شاعر امریکایی.
- چند نمونه از این شعرها را با ترجمه استاد باختری برای اثبات ادعای نویسنده در باب مفاهیم شعرها با هم می‌خوانیم:
۱. از ماری‌سول به نام «لحظه آزمون» که قربانی شدن همه، برای یکی را نشان می‌دهد و بیانگر اندیشه تک‌رهبری است:

سال‌ها

در یاهای رزم‌آمایی خویش را

به پای تو ریختیم

اما دریغا

هنگامی که ترا می‌بایست

پاسدار ما باشی

در یافتیم که همه جوهر تو

بیشتر از گنجایش یک سبوی شکسته نیست.

۲. از کارولین مارتین که «آب‌ها و آدمیان» نام دارد و تصویری از

بردگی است نیز فضای سرد و جریان‌سوز را نشان می‌دهد:

آب‌های رودخانه

در زندان یخ‌های ستبر زمستان

از پیوه، باز مانده‌اند.

۳. از آنتانیو برینال که ظلم کارفرما و مجبوریت کارگر را بیان می‌کند:

اگر روزی شوم آگه

که یک بار دگر خیل گوزنان بیابان‌گرد

به جنگل‌های پارین رونه‌استند

مرا دیگر نخواهی دید با این کار و با این مزد.

۴. از ساجی دانندا در مورد ساده‌لوحی و گولی توده فرودست:

سال‌هاست پیر دوره‌گرد

سگرت از مغازه بزرگ «راج» می‌خرد

روزنامه را برای مستراح

از دکان «چوپره»

سال‌هاست

شکوه می‌کند ز درد استخوان

رای می‌دهد به حزب «کنگره».

واصف باختری، چرا ترجمه کرده است؟

واصف باختری مانند هر مترجم شعر، دست به گزینش زده و مطابق اندیشه هر دوره زندگی‌اش، شعرهای جهان را برگزیده و باز پرداخته است. از لحاظ فکری، باختری فیلسوف داریم، باختری سیاست‌ورز داریم و همین‌گونه باختری شاعر. کتله عظیمی از کارهای ترجمه او، جنبه فلسفی-سیاسی دارند. هم‌چنان خواسته است تا پای ادبیات فلسفی-سیاسی خاصی را در افغانستان باز کند و زمینه ایجاد آثار این‌چنینی فراهم شود. برای این‌که تقریباً تمام شاعرانی که شعرشان توسط استاد باختری برگردانده شده است، در جنبش‌های اصلاحی و انقلابی سهیم بوده و زبان‌گویای آن جریان‌ها واقع شده‌اند.

تب‌وتاب سیاسی حاکم بر جامعه آن روز کشور، ایجاب تولید آثار سیاسی-فلسفی را می‌کرده و باختری، آثاری را ترجمه کرده است که بیشتر به شاعران برخاسته از متن جنبش‌های انقلابی در کشورهای مختلف جهان مربوط می‌شود که با خط فکری آن روز وی هم‌سوئی داشته است.

سرچشمه‌ها

باختری، واصف، سفالینه‌یی چند بر پیش‌خوان بلورین فردا، کابل: سعید، ۱۳۸۸.

مقدمه پرخاش احمدی بر «آب‌های شعر جهان، آلوده نیستند»، ترجمه واصف باختری از کتاب ماری‌سول؛ شاعر کولمبیایی.

مصاحبه پرتو نادری با واصف باختری زیر عنوان «روبه‌رو با واصف باختری» ۱۳۷۸.